

سلمان فارسی و بار یونجه

« سلمان فارسی » یکی از یاران پیامبر (ص) بود. او اخلاق و رفتار خوبی داشت، همیشه لباسی ساده می پوشید، پیاده راه رفت و وسایل خانه و زندگی خودش را به تنهایی تهیه می کرد. سلمان، مدتی بر یکی از شهرهای سرزمین شام، حکومت کرد.



« سلمان فارسی » یکی از یاران پیامبر (ص) بود. او اخلاق و رفتار خوبی داشت، همیشه لباسی ساده می پوشید، پیاده راه رفت و وسایل خانه و زندگی خودش را به تنهایی تهیه می کرد. سلمان، مدتی بر یکی از شهرهای سرزمین شام، حکومت کرد. در همان زمان ها، روزی در بازار مردی را دید که مقداری یونجه خریده بود. او یونجه ها را کنار راه گذاشته بود و دنبال کسی می گشت که در بردن آن بار به او کمک کند. سلمان به او نزدیک شد. آن مرد که سلمان را شناخت، از او خواست تا بارهای او را ببرد. سلمان هم قبول کرد. آن مرد، بار یونجه را بر دوش او گذاشت. سلمان کوچک ترین اعتراضی نکرد، رفت و رفت تا اینکه مرد دیگری از راه رسید و گفت: « ای امیر! این بار را به کجا می بری؟ » ناگهان صاحب بار فهمید که او سلمان فارسی است. خجالت کشید و به پای او افتاد و دستش را بوسید و گفت: « ای امیر! مرا ببخش من نمی دانستم که تو حاکم شهری، خواهش می کنم آن بار را از روی دوش مبارک خودت پایین بگذار. » سلمان عذرخواهی او را قبول کرد، اما گفت: « این بار را باید تا خانه تو برسانم. چون از اول قبول کرده ام و قول دادم و باید به قول خود وفا کنم. » بعد بار یونجه را به خانه آن مرد رسانید و گفت: « من به قول خود عمل کردم. تو هم قول بده که بار خودت را بر دوش دیگران نگذاری، مطمئن باش که اگر خودت بار خودت را ببری، چیزی از ارزش تو کم نخواهد شد. »

منبع : شبکه آموزشی سیما